

متن گزارش کمیسیون اصل 90 مجلس شورای اسلامی ایران (ایسنا)

متن کامل گزارش کمیسیون اصل 90 مجلس شورای اسلامی ایران در خصوص زهرا کاظمی به نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)

در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی گزارش کمیسیون اصل 90 قانون اساسی از بررسی پرونده زهرا کاظمی، توسط جمیله کدیور مخابر این کمیسیون قرائت شد.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) متن کامل این گزارش به شرح ذیل است:

«گزارش شماره یک از کمیسیون اصل نودم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی

در رسیدگی به پرونده شماره ۴۹۵۲ م مربوط به علل و عوامل کشته شدن خانم زهرا کاظمی عکاس و خبرنگار ایرانی در تاریخ ۱۸/۴/۸۲ شکوائیه خانم عزت ابراهیمی مادر، خانم زهرا کاظمی واصل گردید که ملتمسانه در خصوص وضعیت دخترش کمک می‌خواست و تصریح داشت که فرزندش در بیمارستان بقیه‌الله در حالت اغماء بستری می‌باشد و امیدی به زنده ماندنش وجود ندارد. کمیسیون بلافاصله به جناب آقای علیزاده ریاست محترم دادگستری تهران نامه‌ای به شماره ۴۹۵۲/۱۵۴۷۹/۹۰ م مورخ ۱۸/۴/۸۲ ارسال داشت که پاسخ داده شده (این جانب در این مساله نقشی ندارم) این موضوع به آقای مرتضوی دادستان تهران مربوط است.

در تاریخ ۱۹/۴/۸۲ نامه دیگری به شماره ۴۹۵۲/۱۵۵۰۴/۹۰ م مورخ ۱۹/۴/۸۲ به جناب آقای مروی معاون محترم قوه قضاییه فاکس گردید و طی آن مخابر محترم کمیسیون برای عیادت خانم کاظمی معرفی گردید.

در تاریخ ۲۴/۴/۸۲ یعنی پنج روز بعد جوابیه‌ای از آقای مرتضوی دادستان محترم تهران به شماره ۲۰/م/۱۸۲/۳۱ مورخ ۱۹/۴/۸۲ به این کمیسیون واصل گردید که عینا در آن نامه چنین آمده است: «... برابر گزارش مدیر کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای محمدحسین خوشوقت نامبرده (خانم کاظمی) بدون کسب مجوز از وزارت اطلاعات و رعایت تشریفات قانونی در کشور حاضر و برای یکی از سرویس‌های خارجی به تهیه گزارش و تصویر مبادرت کرده است.

مدیر کل مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ مطابق تقاضای کتبی پیوست پرونده از داسرا تقاضای ممانعت از فعالیت نامبرده نموده است. موضوع از طریق معاونت ضد جاسوسی وزارت اطلاعات پیگیری و خانم کاظمی به منظور رسیدگی به اعلام فوق در اختیار آن واحد قرار گرفت که پس از اولین مرحله تحقیقات نامبرده اظهار کسالت می‌نماید و توسط معاونت ضد جاسوسی وزارت مزبور به بیمارستان بقیه‌الله اعظم (عج) جهت مداوا منتقل می‌گردد.» در پایان نامه آقای مرتضوی اضافه می‌نماید که «مشار الیها(مخابر کمیسیون) می‌تواند راسا به بیمارستان مراجعه و با خانم زهرا کاظمی

ملاقات حضوری نماید.»

این نامه در حالی به کمیسیون واصل می‌شود که خبر فوت خانم کاظمی چند روز پیش در تمام جرائد منتشر شده بود. بعد از این مرحله در تاریخ ۷/۵/۸۲ با حضور آقای مسجدجامعی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و آقای شوشتری وزیر محترم دادگستری و آقای پزشکیان وزیر محترم بهداشت و درمان و برخی معاونان این وزارتخانه‌ها و معاون محترم رییس جمهور جناب آقای سید محمدعلی ابطحی و برخی معاندانان کشته شده از اطلاعات آقای خدوشت ممد کا / محتد مطبوعات

دادگاه اروپا علیه انسداد اموال مجاهدین
خلق رای داد
شکایت دولت از وزیر سابق کشور
کردان: به شورای ایرانی-آمریکایی مجوز
نمی‌دهیم
بازداشت یکی از اعضای کمپین یک میلیون
امضا

و رسانه‌های خارجی و ریاست محترم پزشکی قانونی آقای دکتر صدر کمیسیون تشکیل جلسه داد و اظهارات آقایان در ۹۲ صفحه از نوار پیاده شد و درباره گزارش مورخ ۲۸/۴/۸۲ هیات ویژه رییس جمهور مفصل بحث گردید.

در جلسه فوق‌الذکر آقای خوشوقت مدیر کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی عیناً چنین اظهار داشت: «... در تاریخ ۴/۴/۸۲ چهارشنبه صبح اول وقت دفتر آقای مرتضوی تماسی روی موبایل من داشتند که خواستند من با آقای مرتضوی تماس فوری بگیرم... من بلافاصله تماس گرفتم ایشان به من گفتند که یک خبرنگار جاسوس گرفتیم در حال جاسوسی و متوجه شدیم که شما در واقع مجوز فعالیت به ایشان داده‌اید شما چرا به جاسوس‌ها مجوز کار می‌دهید (وقتی که موضوع پرونده مجوز داده شده و عکس خانم کاظمی ملاحظه شد آقای مرتضوی گفتند) بله این همین خانم کاظمی هست ایشان جاسوس است و اعتراف به جاسوسی کرده، اعتراف کرده که وصل به سرویس هست.

به هر حال شما کمک کردید به ایشان برای این جرمی که مرتکب شده اگر ایشان اعتراف بکنند که با شما قبل از اینکه از عراق به ایران بیاید در ارتباط بوده و این اقدام مجرمانه را با همکاری شما انجام داده با او همدست بودید چه کار می‌کنید؟ به آقای مرتضوی گفتم که باید ثابت کنید... ایشان گفتند تا بخواهد ثابت شود خیلی طول می‌کشد... اگر من بخواهم... اگر من بخواهم بفرستم به اوین زیر دست بازجو می‌روید این معلوم نیست کی بیانید بیرون و این کار را انجام نمی‌دهم، اگر بخواهم وثیقه تعیین کنم که الان ساعت چهار است دیر است این کار را هم نمی‌کنم ولی شما این فرم متهم به معاونت در جرم جاسوسی را پر کنید... (نهایتاً وقتی دیدم منصرف نمی‌شود)... من رابطه فامیلی را که با عالی‌ترین مقامات نظام دارم به ایشان گفتم این را که آقای مرتضوی شنیدند خیلی بر خورده‌شان عوض شد البته عنر خواهی نکردند اما اعتماد کامل بوجود آمد و گفتند به هر حال اوضاع بسیار سخت و خطرناک و دشوار است... این خبرنگارها همه جاسوس هستند می‌آیند و خط می‌دهند و مشکل ایجاد می‌کنند شما مساعدت کنید و خبرنگاران خارجی را تا انتهای تیرماه (۱۳۸۲) اجازه ورود به ایران ندهید من خیلی استقبال کردم و به آقای مرتضوی گفتم اگر چنین چیزی هست ما بسیار حساس هستیم این کار را انجام دهیم.

آقای مرتضوی اضافه کردند که این خانم علاوه بر جاسوسی وظیفه دیگری هم داشتند و آن بررسی در مورد توزیع صد میلیون و یا پانصد میلیون دلار (تردید از من است) پول آمریکا است به افراد مختلف برای براندازی نظام تا ببینند که اینان به وظایفشان عمل کرده‌اند یا خیر؟» شنبه ۲۱ تیرماه باز دفتر ایشان به من تلفن کردند و گفتند آقای مرتضوی می‌خواهند ساعت ۳ امروز حتماً شما را ببینند... رفتم و ایشان بلافاصله گفتند این خانم فوت کرد و حالا شما این خبر را چگونه می‌خواهید مخابره کنید؟

(بعد آقای مرتضوی اصرار کردند برای خبرنگاران بنویس که)... این خانم نزد بازجویان وزارت اطلاعات بوده آنجا اظهار کسالت می‌کند و به بیمارستان اعزام می‌شود و آنجا سکنه مغزی می‌کند و می‌میرد. آقای مرتضوی اصرار داشت که من بنویسم وزارت اطلاعات هم ایشان را تایید نمی‌کرده است... و گفتند این مطالب را از قول من ننویس و از قول خود بنویس... به هر حال من کوتاه آمدم که اینها را از قول یک مقام قضایی یا یک مرجع قانونی ذکر کنم و نه از قول دادستان... بعد از تایپ آقای مرتضوی گفتند امضاء کن و من امضاء کردم... ایشان به دفترشان گفتند این متن مصاحبه (امضاء شده را برای خبرگزاری فکس کنید... من خواستم خداحافظی کنم

آقای مرتضوی با خنده زیبایی به من گفتند شما باش و از این جا نرو تا خبر که روی خروجی ایرنا رفت و برای ما فکس شد از این جا تشریف ببرید... و گفتند از خدابخواه یا خدا کند این مساله بغرنج نشود چون به هر حال شما مقصرد چون مجوز دادید: من وقتی این برخورد را دیدیم ناچار شدم واکنش لازم را نشان بدهم و به ایشان گفتم هر اقدامی که خواستید علیه من انجام دهید... اما وقتی که آقای مرتضوی در پاسخ آقای آرمین به صورت مکتوب آن اظهارات خلاف را کردند من واقعا شوکه شدم و وجدانم اجازه نداد سکوت کنم و مجبور شدم به صورت مکتوب پاسخ بدهم.

آقای خوشوقت در قسمت دیگر از اظهارات خود گفتند: ((آقای صحفی معاون محترم مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد در جریان کامل (هر دو ملاقات) قرار داشتند... به هر حال احتمال داشت بازداشت بشوم و این کمک می‌کرد به درگیری بیشتر... و وقتی دیدم ایشان قصد تهدید و ارباب دارد به او گفتم هر اقدامی که صلاح می‌دانند انجام دهند و من از خود طبق قانون دفاع خواهم کرد.))

در تاریخ ۴/۶/۸۲ خانم عزت کاظمی با مراجعه به کمیسیون و ضمن تکرار شکایت

مبنی بر رسیدگی به قتل دخترش صریحا گفتند: ((... در بیمارستان اتار ضرب و جرح بر بدن او مشاهده کردم... و بعد از فوت تلفنی مرا از زندان اوین احضار کردند و چون من شرایط مساعدی نداشتم صاحبخانه رفتند و به ایشان گفته بودند به صلاح شما و ایشان است که جنازه را هر چه زودتر دفن کنید و فردا مراجعه کرده و رضایت مرا گرفتند... و من مجبور شدم رضایت بدهم...))

در همین تاریخ (۴/۶/۸۲) کمیسیون با حضور معاونین محترم حقوقی و حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی وزارت اطلاعات و تعدادی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی از سایر کمیسیون‌های تخصصی تشکیل جلسه داد و دادستان تهران آقای مرتضوی علیرغم دعوت رسمی مانند جلسه قبل حضور نیافتند.

در این جلسه معاونین محترم وزارت اطلاعات پیرامون علل و عوامل قتل خانم زهرا کاظمی مطالب مهمی بیان کردند که بعینه ضبط و پیاده شده و ضمیمه پرونده است.

برخی نکات قابل توجهی که معاونین محترم وزارت اطلاعات اظهار داشتند بدین قرار است:

((... همه زوایای مساله برای وزارت از روزهای نخست روشن بود... در طول این پنجاه روز وزارت سختی‌ها و فشارها را به جان خرید و همه تلاشش را به کار گرفت. با مقام معظم رهبری با رییس قوه قضاییه با ریاست جمهوری با شعبه رسیدگی‌کننده پرونده چندین مکاتبه انجام داد، گفتگوها و جلسات مکرر با همه کسانی که به گونه‌ای مسوول قضیه بودند انجام گرفت تا مسیر بازپرسی را به مسیر صحیحی هدایت کند و نظام هم خسارتی نبیند اما متأسفانه همان چیزی که قبل از رسیدگی به پرونده به صراحت از سوی متصدیان (قضایی) ابراز می‌شد به عنوان نتیجه نهایی اعلام شد... وقتی با دستگاه امنیتی نظام این گونه غیرعادلانه و غیرمنصفانه عمل می‌شود جا دارد ما نگران سرنوشت آحاد مردم باشیم...))

در جای دیگر اظهارات معاونین وزارت چنین آمده است: ((... مشاور قضایی ضدجاسوسی وزارت به آقای دادستان اعتراض می‌کند که شما چرا متهم به جاسوسی را به جایی تحویل دادید که در تخصص آنها نیست این خانم باید در اختیار وزارت اطلاعات باشد، نظر ما این بوده که وی را آزاد کنید برود اما هنگامی که وی را دستگیر کردید قاعده این بوده که تحویل وزارت بدهید تا ما از وی تحقیق کنیم و نتیجه را به شما اعلام نماییم...))

در مورد ضربات وارده به خانم کاظمی یکی از معاونین وزارت اطلاعات چنین می‌گوید: ((... تحقیقات نشان می‌دهد در دو جا خانم کاظمی ضربه خورده است یک مرحله وقتی بوده که می‌خواست‌اند کوله‌پشتی وی را بگیرند و وی از تحویل آن خودداری می‌کرده است در این حال یک ضربه محکمی به طرف چپ صورت ایشان می‌خورد و از طرف به زمین می‌خورد که این را مدارک پزشکی بیمارستان آثار جراحت را تایید می‌نماید و در این مرحله وی در دست چند تا از قضات محترم پرسنل زندان اوین بودند... این مرحله را سرباز برجک و پرسنل زندان و سربازهایی که آنجا دیدند و در حدود ۲۰ نفر می‌شوند در اظهارات اولیه شهادت داده‌اند... بعدا این شهود را جمع می‌کنند و می‌برند توجیه می‌کنند... تا همه حرفهایشان را پس بگیرند این کار را مسوولین حفاظت اطلاعات زندان اوین انجام می‌دهند... دفتر وقایع زندان و وقایع بندها دستکاری شده و مخدوش است ما برداشتمان این است که قوه قضاییه (دادستانی تهران) از قبل نظر داشته که این موضوع را در وزارت اطلاعات جستجو کند... در گزارش نیروی انتظامی به هیات ویژه ریاست جمهوری نوشته شده که خانم زهرا کاظمی با خط خود نوشته است بی‌نیام را شکسته‌اند، انگشت شست مرا و همین‌طور انگشت پای مرا شکسته‌اند... حال چطور می‌شود وزارت اطلاعات به کسی که گفت آژادش بکنید بعد برویم زندان بکشیمش...))

آقای یونسی وزیر محترم اطلاعات در نامه‌ای به آقای رییس جمهور می‌نویسد که ((پرسنل وزارت اطلاعات تاوان عضویت خود در دولت شما و پرهیز از ظلم و بی‌عدالتی را می‌پردازند...))

در جای دیگر از اظهارات وزارت اطلاعات آمده است ((... مقام معظم رهبری در این خصوص به نو مطلب تاکید دارند یکی این‌که آقای شاهرودی کشف حقیقت شود نه مصلحت سنجی و ثانیاً به سرعت باید این‌کار انجام شود و حکم صادر شود... داور تعیین شده در دفتر مقام معظم رهبری هم پس از برررسی مدارک وزارت اطلاعات و مدارک دادستانی تهران حکم می‌کند که حق با وزارت است... اما در عین حال اقدامی صورت نمی‌گیرد

دوستان قضایی می‌گویند بنا به نظر پزشکان شما اصلا وارد روز دوم و سوم (دستگیری) نشوید هر چه باید پیدا شود باید روز پنجم باشد... آقای شاهرودی (ریاست محترم قوه قضاییه) هم که من (یکی از معاونین وزارت اطلاعات) رفتم خدمتشان می‌گفتند حالا دو تا هم بازداشت بشوند! به نفع نظام است. ما گفتیم آن‌کس که کرده باید بازداشت بشود ربطی به ما ندارد ایشان فرمودند: دخالت توی کار قضایی نکنید...))

با توجه به مجموع محتویات پرونده به منظور استماع نظرات دادستانی تهران و رفع ابهامات موجود طی نامه شماره ۴۹۵۲/۱۵۷۴۲/۹۰ مورخ ۵/۶/۸۲ پانزده سنوال مشخص برای آقای مرتضوی دادستان عمومی تهران ارسال شد که تا تاریخ ۹/۶/۸۲ پاسخ‌ها را به این کمیسیون اعلام نمایند.

برخی سئوالات به قرار ذیل می‌باشد:

۱- چرا فعالیت خانم کاظمی در حالی که وی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز قانونی برای فعالیت داشته از طرف دادستان بدون مجوز اعلام شده است؟

۲- چرا تاکید شده که علت فوت نامبرده سکتته مغزی بوده است؟

۳- چرا در حالت اغما وی قرار بازداشت به وثیقه یا کفالت تبدیل شده است؟

۴- دلایل و مستندات صدور قرار بازداشت و یا اساسا دلایل قانونی توجه اتهام جاسوسی یا اتهام اخلاخ در امنیت ملی به خانم کاظمی چه بوده است؟

و سئوالاتی از این قبیل.

آقای مرتضوی پاسخی به شماره‌ی ۸۲/۵۶۰۸/۲۰ مورخ ۹/۶/۸۲ به سئوالات دادند که تصویر آن برای وزیر محترم اطلاعات و فرماندهی محترم نیروی انتظامی ارسال گردید تا به جزئیات مورد استناد پاسخ دهند و کمیسیون بتواند با تفصیل و توجه به آن

جزئیات اظهار نظر کند اما فرماندهی محترم نیروی انتظامی علی‌رغم مکاتبه‌ی مکرر هنوز پاسخ نداده‌اند. در هر حال با توجه به جواب وزارت محترم اطلاعات و سایر مراجع مورد استعلام در خصوص پاسخ دادستان محترم باید گفت:

اولا بیش از دو صفحه مطالب نامه ماهیت حقوقی ندارد و علت عدم حضور خود در جلسات رسمی کمیسیون را تحریف مطالب حاضرین توسط برخی از اعضای کمیسیون ذکر نموده‌اند که اتهامی به اعضای کمیسیون و برخلاف واقع می‌باشد و عذر بدتر از گناه است و عجیب‌تر این که می‌گویند «الزام قانونی به شرکت در جلسات کمیسیون اصل ۹۰ ندارم» در حالی که اگر آقای مرتضوی مرور کوتاهی به قوانین موضوعه در خصوص حدود اختیارات کمیسیون مصوب مجلس شورای اسلامی می‌کردند هرگز با چنین صراحتی مرتکب این اشتباه بزرگ نمی‌شدند و کمیسیون را متهم به عدم اطلاع از قوانین نمی‌کردند. برای روشن شدن این نکته باید ماده‌ی ۲ قانون نحوه‌ی اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی مصوب ۲۵/۸/۱۳۶۵ مجلس را که به تایید شورای نگهبان نیز رسیده است را مورد توجه قرار داد که مقرر داشته «... این کمیسیون می‌تواند جهت کسب اطلاعات کافی از مسوولین مذکور (قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی و تمام وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های وابسته به آنها و بنیادها و نهادهای انقلابی و موسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق‌الذکر مربوط می‌باشند) دعوت یا مستقیما با آنها مکاتبه نمایند و آنها مکلف به اجابت هستند و در صورت تخلف و ثبوت جرم عدم پاسخگویی توسط کمیسیون و اعلام آن دادگاه صالح موظف است خارج از نوبت رسیدگی و در صورت ثبوت جرم مقدار کیفر مذکور در تبصره‌ی ماده‌ی واحد (مصوب ۵/۲/۱۳۶۵) را مشخص و نتیجه را به کمیسیون اعلام نمایند.» با این وصف اظهار نظر آقای مرتضوی به عنوان دادستان عمومی و انقلاب تهران از هر جهت موجب شگفتی است.

ثانیا آقای مرتضوی در پاسخ به این سوال که: چرا فعالیت خانم کاظمی را فاقد مجوز دانسته‌اید، می‌گوید در سطر ۱۱ و ۱۲ صفحه‌ی سوم گزارش هیات ویژه‌ی ریاست جمهوری آمده است که «خانم کاظمی در این اقدام برخلاف مجوز اعطا شده به وی عمل کرده است و از محلی عکس گرفته که با علامت عکس‌برداری ممنوع مشخص بوده است.»

چنان که در جواب آقای مرتضوی عینا آمده است خانم کاظمی مجوز دانسته اما عکس گرفتن از دیوار اوین با تابلو (عکس برداری ممنوع) ممنوع بوده است که طفره از پاسخ سوال و بیان موضوع فرعی دیگری است که اساسا با صراحت سوال کمیسیون متفوت است. به علاوه از مقام قضایی دادستان عمومی تهران بعید است که بدون توجه به عناوینی تعریف شده مجرمانه که به تفصیل در قوانین جزایی احصاء شده است عکس برداری از دیوار اوین را جرم تلقی نمایند و یا شخصی را بدین استناد مستحق بازداشت و یا صدور قرار تامین دیگری بدانند. ضمنا در این رابطه مکاتباتی دیگر با دادستانی محترم تهران به شماره ۹۰/۹۰۸۱۰/۱۵۲۲/۴ مورخ ۱۷/۸۲ با ضرب الاجل پاسخگویی تا تاریخ ۶/۷/۸۲ به عمل آمده است و خواسته شده که مستند ادعای مطروحه در پاسخ اول دادستانی مورخ ۱۹/۴/۸۲ را که اشاره به نامه مدیر کل مطبوعات خارجی گردیده و ادعا شده است که مدیر مزبور خواست ممانعت از فعالیت خانم کاظمی را نموده به کمیسیون ارسال نمایند که تا کنون پاسخی داده نشده است.

ثالثا آقای مرتضوی این که کمیسیون در خصوص (تحت نظر بودن) خانم کاظمی اظهار تعجب کرده بود را ناشی از عدم اطلاع کمیسیون از مواد قوانین مربوطه و از جمله ماده ۲۴ آیین دادرسی کیفری دانسته بود که باید گفت دو نکته حقوقی به وسیله آقای مرتضوی مخلوط گردیده زیرا آنچه در اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است تحت نظر داشتن نیروی انتظامی برای در اختیار داشتن قرار بازداشت شده حداکثر به مدت ۲۴ ساعت است و موظف است بلافاصله پرونده را به نظر مراجع صالح قضایی برساند اما موضوع مورد بحث چنان که آقای مرتضوی در پاسخ می گوید (خانم کاظمی جهت ادای توضیحات به داخل محوطه اوین هدایت شدند) قضاتی در زندان اوین حضور داشتند و می توانستند با توجه به بازجویی های اولیه موجبات آزادی خانم کاظمی و یا صدور قرار تامین مناسب را فراهم آورند. بنابراین (تحت نظر) قرار دادن خانم کاظمی با حضور قضات محترم در زندان اوین به هیچ وجه نمی تواند مطابق ماده ۲۴ مورد استناد آقای مرتضوی باشد اگر ایشان با دقت لازم قضایی که از وظایف هر مقام قضایی است به متن قوانین موضوعه توجه می نمودند اقدام به ارسال چنین پاسخی ننموده و بناحق اتهام عدم اطلاع از قوانین جاری را به کمیسیون نمی زدند.

در جوابیه مورخ ۹/۶/۸۲ آقای مرتضوی منبع خبر «سکته مغزی» خانم کاظمی نامه مورخ ۱۹/۴/۸۲ رییس بازداشتگاه امنیتی زندان اوین ذکر گردیده است. جوابیه مورخ ۲۹/۶/۸۲ وزارت اطلاعات حاکی است که: ابتدائا رییس بازداشتگاه امنیتی اوین طی نامه مورخ ۶/۴/۸۲ به شعبه ۱۲ بازپرسی ناحیه ۷ تهران اعلام می نماید که: «... (خانم کاظمی) از بوی ورود از بستن چشم بند و پوشیدن لباس زندان خودداری و اعتصاب غذا نموده است و به علت عوارض ناشی از اعتصاب غذا در مورخه ۵/۴/۸۲ ساعت ۲۵/۲۳ جهت مداوا به بیمارستان بقیه الله اعزام و بستری شده است و هم اکنون به علت پارگی رگ مغز در حال کوما به سر می برد و هر لحظه امکان وقوع هر نوع حادثه متصور است. مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم اعلام می گردد.» وزارت اطلاعات در جوابیه مزبور ادامه می دهد که آقای مرتضوی به این نامه اعتراض می کند و با حضور در بازداشتگاه امنیتی اوین عنوان می نماید که شما چرا اعتصاب غذا را در نامه ذکر کرده اید؟ و خواستار تعویض نامه اسالی می شوند و بر این اساس نامه دیگری به تاریخ ۷/۴/۸۲ تنظیم و ارسال می شود. در این نامه رییس بازداشتگاه امنیتی اوین خطاب به شعبه ۱۲ بازپرسی می نویسد: «متمم زهرا کاظمی به علت ناراحتی مغزی حسب دستور پزشک بهداشتی اوین در مورخه ۵/۴/۸۲ به بیمارستان بقیه الله جهت درمان اعزام گردید، که تا کنون در بیمارستان مذکور بستری بوده و حسب اعلام نظر پزشک معالج وی در بیمارستان نامبرده سکته مغزی نموده و در حال حاضر در کوما به سر می برد.»

لذا بر اساس جوابیه وزارت اطلاعات نامه دوم به دستور و هدایت آقای مرتضوی تهیه می شود و همین نامه (که با دستور خود آقای مرتضوی تهیه شده است) مستند نامه آقای مرتضوی در جوابیه واصله قرار گرفته است!

می توان بر این نظر بود که هم نظریه القا شده آقای مرتضوی به رییس بازداشتگاه امنیتی اوین خارج از حدود اختیارات و وظایف مقام قضایی است و هم اجابت کردن رییس بازداشتگاه در این خصوص غیر قابل دفاع می باشد. در قسمتی دیگر از جوابیه مورخ ۲۹/۶/۸۲ وزارت محترم اطلاعات در همین رابطه آمده است که «موضوع پارگی رگ مغز و متعاقب آن اعلام سکته مغزی از مواردی است که به علت حضور مراقبین در بیمارستان از پزشکان معالج و پرستاران شنیده شده است و ربطی به نظر تخصصی ندارد و اصولا انتظار اعلام نظر تخصصی از مسولین و نگهبانان بازداشتگاه و قبول و استناد به آن، توسط هر قاضی، با سابقه منظم، به نظر نمی رسد ...

اینک با توجه به پاسخ ارسالی دادستان تهران خطاب به کمیسیون اصل نود و اصرارهای ایشان در چگونگی تنظیم نامه‌ها و یا ارسال آن موضوع، می‌تواند دارای معانی و ابعاد متفاوتی باشد...».

این کمیسیون برای تکمیل مدارک و اطلاعات در پیرامون موضوع پرونده مکاتباتی نیز در تاریخ ۸/۶/۸۲ با وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر محترم اطلاعات، وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرماندهی محترم نیروی انتظامی، ریاست محترم بیمارستان بقیه‌الله الاعظم (عج) و ریاست محترم جمهوری اسلامی تهیه و با نامبر ارسال نموده تا جوابیه مربوطه را حداکثر تا تاریخ ۱۰/۶/۸۲ به کمیسیون اعلام نمایند لکن تا کنون بیمارستان مزبور و نیروی انتظامی نیز به شرح یاد شده پاسخ کافی ارسال ننموده‌اند. مع الوصف به لحاظ اهمیت داخلی و بین‌المللی حادثه یاد شده و در چهارچوب وظایف مصرح کمیسیون اصل نود قانون اساسی و قوانین موضوعه راجع به حدود و وظایف و اختیارات این کمیسیون مصوب مجلس شورای اسلامی و با عنایت به جمیع جهات و پاسخ‌های واصله، موارد حقوقی زیر در پیرامون پرونده موصوف قابل ذکر است:

۱- قطعا خانم کاظمی برای فعالیت حرفه‌ای خود مجوز قانونی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده بود و لذا نقل قول آقای مرتضوی دادستان عمومی تهران در جوابیه‌ی شماره‌ی ۲۰/م/۸۲/۳۱ مورخ ۱۹/۴/۸۲ در عدم کسب مجوز فعالیت، نمی‌تواند مطابق با واقعیت باشد.

۲- قطعا دستگیری اولیه‌ی نامبرده که "به هدایت خانم کاظمی به زندان اوین" تعبیر شده است. بدون دلایل کافی در توجه اتهام جاسوسی بوده است، نظر وزارت اطلاعات به عنوان مرجع قانونی در کشف جرایمی مثل جاسوسی (صراحت بند «ب» ماده‌ی ۱۰ قانون تاسیس وزارت اطلاعات مصوب ۲۷/۵/۶۲) مبنی بر آزاد کردن خانم کاظمی به خوبی نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که مدارک و دلایل کافی برای توجه چنین اتهامی اساسا وجود نداشته است. مضافا این‌که پس از بازداشت وی، موازین اصل ۳۹ قانون اساسی نیز در مورد متهمه رعایت نشده است.

۳- مواد ۳۲ و ۳۵ و ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۵/۷۸ برای جایز بودن و یا الزامی بودن صدور قرار بازداشت شرایطی را ذکر کرده است که در هر صورت وجود قرائن، امارات و دلایل قانونی در توجه اتهام، فرض اولیه برای صدور چنین قرار تامینی می‌باشد؛ در حالی که با توجه به مخالفت وزارت اطلاعات در دستگیری و ادامه‌ی بازداشت خانم کاظمی، تنها مدرک متصور، فیلم موجود در دوربین عکاسی وی بوده که حسب اظهارات همه‌ی مسوولین ذی‌ربط، فیلم مورد نظر توسط خانم کاظمی و در حضور مأمورین زندان، نور دیده و قابلیت ظهور نداشته است. بنابراین می‌توان بر این نظر بود که صدور قرار بازداشت توسط قاضی محترم مستقر در زندان اوین موجه نبوده و مضافا این‌که تبدیل قرار بازداشت در تاریخ ۱۵/۴/۸۲ به قرار وثیقه یا کفالت پنج میلیون تومانی در حالی که خانم کاظمی در حالت مرگ مغزی بوده است، به خوبی اثبات‌کننده‌ی این نکته است که صدور قرار بازداشت اولیه بدون رعایت موازین قانونی به عمل آمده است و نهایتا چنین بازداشتی می‌تواند از مصادیق جرم بازداشت غیرقانونی موضوع ماده‌ی ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بوده و صادرکننده‌ی آن به استناد ماده‌ی مزبور حتی بدون شکایت شاکی به لحاظ حیثیت عمومی جرم و نیز تخلف انتظامی قابل تعقیب در دادرسی محترم انتظامی قضات و سپس دادرسی عمومی تهران باشد.

۴- طبق گزارش هیات ویژه ریاست جمهوری که متشکل از پنج نفر از وزرای محترم هیات دولت بوده‌اند، خانم کاظمی در تاریخ ۲/۴/۸۲ پس از بازجویی اولیه، «تحت نظر» قرار گرفته است. به نظر می‌رسد با توجه به مخالفت کارشناسان ضدجاسوسی وزارت اطلاعات با دستگیری و ادامه‌ی نگهداری خانم کاظمی و سایر مسایل مطروحه در پرونده از بدو امر تا فوت، اجمالا نوعی سردرگمی و نابسامانی را در برخورد انتظامی و قضایی با خانم کاظمی، قبل و حتی بعد از مرگ وی می‌توان مشاهده کرد. حسب جوابیه وزارت اطلاعات و اظهارات آقای خوشوقت تمایل و تلاش آگاهانه دادستانی تهران برای توجیه مرگ خانم کاظمی برخلاف واقع و نحوه‌ی تنظیم مکاتبات اولیه و اظهارات کذب و متناقض آقای مرتضوی، بازداشت دو روزه‌ی مسوول حفاظت اطلاعات زندان اوین و سپس آزادی وی و مجموع اظهارات معاونین محترم وزارت اطلاعات در جلسه‌ی ۴/۶/۸۲ این کمیسیون و تأیید آنها بر این‌که شعبه‌ی رسیدگی کننده قضایی عمده اقدامات قضایی را متمرکز بر دو نفر از پرسنل وزارت اطلاعات نموده است و مخصوصا مخدوش نمودن دفاتر مربوطه در زندان اوین و تغییر

اظهارات اولیه سهود مسفر در رندان راجع به ضارب حاتم حاضمی، جمعی حایب از نابسامانی و آشفتگی در رفتار دادستانی تهران و نهایتا انحراف مسیر واقعی پرونده در خصوص مرگ خانم کاظمی دارد. در این خصوص ضرورت دارد جایگاه دو نفر قاضی مورد اشاره در گزارش هیات ویژه و علت حضورشان در ساعات مورد نظر در زندان اوین و نهایتا نحوه اتخاذ تصمیم آنها به دقت توجه و بررسی گردد.

۵- حسب اظهارات جناب آقای مسجدجامعی وزیر محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در

جلسه‌ی مورخ ۷/۵/۸۲ این کمیسیون و تصویر مستند پیوست جوابیه مورخ ۱۵/۶/۸۲ وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، ماجرای احضار و ملاقات آقای خوشوقت در دادستانی عمومی تهران و آنچه که بر اساس اظهارات آقای خوشوقت مدیرکل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت مزبور فی‌مابین جناب آقای مرتضوی دادستان محترم و ایشان گذشته است، در انتهای گزارش اولیه هیات ویژه ریاست جمهوری با امضای پنج نفر از وزرای عضو هیات منعکس شده بوده لکن در نهایت حذف گردیده است. علت حذف و شناسایی کسانی که در حذف این مطلب مهم نقش داشته‌اند، می‌تواند حقایق بیشتری را در کشف واقعیت امر مشخص نماید.

۶- بر اساس اظهارات جناب آقای دکتر پزشکیان وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جلسه‌ی مورخ ۷/۵/۸۲ این کمیسیون مبنی بر این‌که اگر خانم کاظمی به موقع به مراکز پزشکی دولتی منتقل می‌شد که دارای رزیدنت‌های جراحی مغز هستند، «قطعا نجات پیدا می‌کرد» جای این سوال جدا مطرح است که با توجه به استقرار بهداری و حضور پزشکیانی در زندان اوین مسوول مستقیم یا غیرمستقیم چنین تعلل سرنوشت‌سازی چه کسانی هستند؟

۷- عدم حضور آقای مرتضوی دادستان عمومی تهران در جلسات این کمیسیون علی‌رغم دعوت رسمی از ایشان که قطعا برای کشف حقیقت می‌توانست موثر واقع شود، به موجب صراحت ماده‌ی ۲ قانون نحوه‌ی اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۵/۸/۶۵ مجلس شورای اسلامی تخلف محسوب می‌شود.

۸- یک نسخه از این گزارش به استناد و صراحت تبصره‌ی ماده‌ی ۵ قانون نحوه‌ی اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۵/۸/۶۵ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۵/۹/۶۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است، به قوه قضاییه برای ارجاع به دادگاه صالح و یک نسخه به دادرسی انتظامی قضات جهت رسیدگی به تخلفات دادستان عمومی تهران و سایر قضاتی که در مراحل اولیه‌ی بازداشت مرحوم خانم زهرا کاظمی دخالت و دستور غیرقانونی داشته‌اند ارسال می‌شود تا نتایج رسیدگی‌ها را که به استناد و تبصره‌ی یاد شده، خارج از نوبت خواهد بود، به اطلاع این کمیسیون برسانند.

حسین انصاری‌راد رییس کمیسیون»

 صفحه بدون عکس

 این صفحه را برای دوستان خود بفرستید

خدمات

پادکست جام جهان نما | پادکست روز هفت | آراس اس | اخبار از طریق ایمیل | ویدیوهای شما

بلا

© BBC MMXI

صفحه نخست | جهان | ایران | افغانستان | تاجیکستان | ورزش | دانش و فن | اقتصاد و بازرگانی | فرهنگ و هنر | ویدیو روز هفتم | نگاه ژرف | صدای شما | آموزش انگلیسی

BBC News >> | BBC Sport >> | BBC Weather >> | BBC World Service >> | BBC Languages >>

راهنما | تماس با ما | اخبار و اطلاعات به زبانهای دیگر | نحوه استفاده از اطلاعات شخصی کاربران